

گزارش روز

در تالار وحدت برای بانوان به صحنه می‌رود اپرت کارمن و کنسرت بهار آفرین

● گروه هنر: بانوان در تالار وحدت و در دی‌ماه ۹۷ به تماشای اپرت کارمن و کنسرت بهارآفرین می‌نشینند.

اپرت کارمن

داستان کارمن در سال ۱۸۴۵ توسط پروسیه مریمه تألیف شد و پس از آن در سال ۱۸۷۵ به صورت اپرایی در چهار اکت توسط ژرژ بیژه، آهنگ‌ساز مشهور فرانسوی روی صحنه رفت. اپرت نمایشی «کارمن» توسط گروه موسیقی آواز ملل به سرپرستی شهلا میلانی با همراهی گروه نمایشی شیفکال دل، به کارگردانی و سرپرستی هایده کیشی‌پور ۱۴ دی‌ماه، ساعت ۱۴ در تالار وحدت روی صحنه می‌رود.

داستان کارمن حدود سالل ۱۸۲۰ در سویل – اسپانیا، شکل می‌گیرد و عشق تراژیک کولی‌ای به نام کارمن را با تمام فرازوفرودهایش به تصویر می‌کشد. داستان کارمن برای‌ای اغلب هنرمندان و هنردوستان نامی آشناست و تا به امروز به محفل تمامی هنرها وارد شده و اثری از خود به‌جای گذاشته است.

با آنکه کارمن، این‌ مظهر بی‌وفایی و عصیانگری به آفریننده خود نیز وفا نکرد و پس از اجرا مورد استقبال قرار نگرفت، اما با گذشت زمان و تغییر در نگرش به موسیقی و اپرا، کارمن به‌تدریج علاقه عموم را به خود جذب کرد و الهام‌بخش بسیاری از بزرگان عرصه هنر شد؛ بزرگانی مانند «فرانچسکو رزی» و «کارلوس سائورا» که این اثر را مانند نقطه‌ای درخشان بر پرده ترقه‌ای به تصویر کشیدند و موجبات شهرت خود و این اثر را فراهم آوردند.
در این اجرا، کارگردان و سرپرست گروه نمایشی: هایده ذکاوت (کیشی‌پور)، طراح حرکات: هدیه کیشی‌پور و اقتباس توسط زهام فیض‌آبادی است و در آن همچنین نیوشا سجادی: کارمن/ مهرناز حق‌جو: دُن خوزه/ نگار ابریشمی: اسکامیلیو و مونا ارسطو: میکایلا به‌عنوان بازیگران بخش نمایشی این اپرت بازی می‌کنند.
دلارام علاءپور، باران رحمتی، نیلوفر مسیحی، دیا سیفی و آیتا طاری سولیتس‌های این اجرا هستند.

بهارآفرین در تالاروحدت

گروه نمایشی مانتره با همکاری در کنسرت بانوان بهارآفرین به سرپرستی و خوانندگی بهاره میرزاآقا از هفتم دی‌ماه در تالار وحدت روی صحنه می‌رود.

کنسرت بهارآفرین با اجرای قطعاتی ستنی و تلفیقی برای بانوان به سرپرستی بهاره میرزاآقا به همراه حرکات نمایشی گروه مانتره به سرپرستی مونا ارسطو هفتم دی‌ماه ساعت ۱۴ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

گروه آیینی- سنتی فولکلوریک «مانتره» پیش از این در فرهنگ‌سرای نیاوران با هدف شناساندن و زنده نگه‌داشتن آیین‌های موسیقایی و حرکی اقوام ایرانی است «به رنگ انار» را اجرا کرده بود.

در این کنسرت، بهاره میرزاآقا؛ سرپرست و خواننده، نوشین یاسدار؛ نوازنده عود، موتیکا لران؛ نوازنده ویلن، صدا سدیفی؛ نوازنده قانون، نگین زاده‌ویکیلی؛ نوازنده ویلنسل، خزر چکاوک؛ نوازنده پیانو، مینو اصحابی؛ نوازنده کمانچه، ندا بهزاد؛ نوازنده درامز و مارال خلیلی؛ نوازنده دف و کوبه‌ای به هنرنمایی می‌پردازند.

علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت ایران‌کنسرت مراجعه کنند یا با شماره‌های: ۸۸۵۲۰۵۵۴ و ۸۸۵۲۰۵۵۹ تماس بگیرند.

آیا با امید سهرابی آشنایی قبلی داشتید که برای این نمایش انتخاب شده‌اید؟

خیر؛ می‌دانستم او نویسنده است، اما از کارگردان‌بودنش خبر نداشتم. متن را فرستادند. بعد از خواندن آن، هم از متن خوشم آمد و هم نقش پیشنهادی را دوست داشتم؛ البته صحنه پایانی نمایش هنوز کامل نبود.

● برخورد اولیه شما با نقش و تمرین‌ها با توجه به اینکه دیرتر هم به گروه پیوسته بودید، چگونه بود؟
من دیرتر از بقیه به گروه پیوستم و در حدود یک ماه تمرین کردم. تلاش کردم خودم را به بقیه برسانم. این نقش متفاوتی بود و شبیه دیگر کارهایم نبود. روز اول تمرین، به آقای سهرابی گفتم غیر از فیزیک و قیافه که باید برای رسیدن به این نقش تغییر کند، باید برای صدا نیز فکری بکنیم؛ صدایم در ذهن مخاطب مانده و خیلی وقت‌ها وقتی حرف می‌زنم، مرا می‌شناسند. آقای سهرابی گفت خودش از طریق صدا به هر نقشی می‌رسد. این شد که تمرین‌هایی برای تغییر شروع کردم و بعد هم رسیدیم به این صدایی که در اجرای فعلی شنیدید.

● انگار صدا حالتی مردانه دارد و از نام خانم‌آغا هم شاید چنین توقعی می‌رود؟
نه دقیقاً نمی‌خواستم مردانه باشد. اسم خانم‌آغا نیز اسمی مردانه نیست، اما به دلیل شرایطی که این زن در آن زندگی می‌کند -مثل پنهان‌کردن هویت زنانه‌اش- سن‌وسالش و مجموعه عواملی که می‌تواند یک شخصیت را خشن‌تر و خسته‌تر نشان بدهد، به این صدا رسیدیم. هرکسی وقتی دائم در حال فریادزن است، حالا چه برای فروش یک جنس در خیابان چه فریادزن بر سر زیردستان، طبیعتاً صدای خشن‌داری پیدا می‌کند.

آیا تا‌زگی نقش چگونه کنار آمدید؟

چند وقت پیش درباره کودکان کار مطالعه می‌کردم، این متن هم در همان فضاها اتفاق می‌افتد. دیدم این نمایش از آن کارهاست که دوست دارم در آن شریک باشم؛ شخصیت خانم‌آغا هم برای هر بازیگری جذاب است. من خانم‌آغای نمایش خروس لاری را هرگز منفی ندیدم. معتقدم شرایط آدم‌ها را وادار به کارهایی می‌کند که شاید هرگز خودشان هم باور نکنند. این زن در شرایط سختی بزرگ شده است، اما به دیگران کمک می‌کند. اگر خشن است، چون در شرایطی پرخشونت بزرگ شده است و راه دیگری بلد نیست. من بر این باورم که هیچ آدمی خود را بد یا منفی نمی‌داند؛ پس من به‌عنوان بازیگر یک نقش سزای جان‌دادن به این شخصیت باید به او حق بدهم و شرایطش را درک کنم و قضاوتش نکنم؛ به‌قولی باید با گفتش‌های او راه بروم.

● به‌رحال او متوجه بی‌دها و خطاهایش نیست که چگونه این بچه‌ها را اسیر یک وضعیت بفرغ می‌کند.
خانم‌آغا همین قدر بلد است. درکش از زندگی همین است. برای همین با فریاد به این بچه‌ها می‌گوید در کجا و در چه حالی به داشنان رسیده است. در دوران تمرین و در طول روز به خانم‌آغا فکر می‌کردم. می‌دیدم او در ۱۴، ۱۳ سالگی از خانه فرار کرده است؛ چون در خانه

هنر

گفت‌وگو با عاطفه رضوی، بازیگر خروس لاری

خانم آغا درکش از زندگی همین است



رضا آشفته

عاطفه رضوی را از دهه ۶۰ و بازی در فیلم به‌یادماندی «آن سوی آتش»، کار کیانوش عیاری، به خاطر داریم و هیچ‌گاه از یادمان نمی‌رود که او پاریهنه بر زمین برا از خاروخاشاک و خرده‌شیشه قدم برمی‌داشت و لال‌بازی‌هایش نیز مثال‌زدنی بود. همین حس‌وحال کافی بود که او یکی از هنرمندان عرصه بازیگری شود و دنبال ارائه نقش‌های متفاوت بگردد؛ بنابراین بعدها نقش‌های به‌یادماندنی‌ای در فیلم‌های نرگس، سفر به جزایه، نجات‌یافتگان، چهره، کشتی یونانی، قصه‌ها و... بازی کرد. او از زمانی که به تئاتر آمد نیز به دلیل آنکه از آغاز در دوره دوساله ارشاد تئاتر آموخته بود، خیلی زود از جایگاه معتبری برخوردار شد و در تئاتر نیز خوش درخشید. او در نمایش‌های رقص زمین، حضرت والا، امر ملوکانه، یک صبح ناگهان، برنارد مرده است و... بازی کرده است و سال ۸۹ برای بازی در نمایش «خروس والا»، جایزه بهترین بازیگر را از بخش بین‌المللی جشنواره تئاتر فجر دریافت کرد. این‌روزها بازی رضوی در «خروس لاری» به نویسندگی و کارگردانی امید سهرابی که در تالار ناظرزاده‌ممانی تماشاشانه ایرانشهر اجرا می‌شود، مثال‌زدنی است. او بازی متفاوتی را در نقش خانم‌آغا ارائه می‌کند که در آن، سرپرست جمعی از دختران فراری و نوجوانان کار است که در پوشش پسرانه کار می‌کنند. در این سرسینه اتفاقات غریبی در حال رخ‌دادن است و... با عاطفه رضوی درباره این نمایش و بازی در تئاتر صحبت کرده‌ایم.

به‌گونه‌ای عمل کنم که متن هم از من خواسته بود. اینکه

این زن محصول شرایط است و نباید از او بدمان بیاید. باید بتوانیم با او همراه شده، درکش کنیم تا بر مبنای داوری غلط ما این‌گونه آدم‌ها نتهار از این نشووند تا دست‌کم تماشاگر لحظاتی با این زن همراه شود و حتی لحظاتی دوستش داشته باشد.

● چقدر لباس و گریم و صحنه کمک‌تان کرده است تا بازی‌ها را درست‌تر در زمان اجرا پیش ببرید.
اصولاً همه اینها که گفتید، باید به بازیگر کمک کند تا تماشاگر را بهتر همراه نمایش کند. در تئاتر این‌گونه است که ما تمرین می‌کنیم و طراحان گریم، لباس و صحنه و دیگر عوامل براساس متن و شکل‌گیری شخصیت‌ها در طول تمرین طرح‌ها و ایده‌های خود را ارائه می‌دهند. چون ما برای بازیگری احساساتمان را به سطح می‌آوریم تا هنگام نیاز از آنها بهره ببریم و در نتیجه من فکر می‌کنم در این شرایط بازیگر به روی صحنه همان‌قدر که می‌تواند قدرتمند باشد، آسیب‌پذیر هم هست. لباس و گریم برای بازیگر از نگاه من مثل زره یا حفاظ عمل

زجرکش می‌شده از دست کتک‌ها و آزارهای جنسی ناپسندی؛ بنابراین ناپدیری را با جاقو کشته و فرار کرده و به خیابان کوچیده است. خب خیابان چه چیزی به آدم‌ها یاد می‌دهد؟ بی‌بناهی، بی‌رحمی و خشونتی که در خیابان است نمی‌تواند نتیجه بهتری برای یک دختر بچه داشته باشد. او در خیابان و در یک جامعه سن‌ستیز رها شده است؛ بنابراین به مرور از مردها متفر می‌شود و فکر می‌کند برای حمایت از زنان باید لباس مردانه تن کرد. با گره‌هایی که کمبودهای عاطفی، برایش ایجاد کرده، زنان را هم دوست ندارد. اصلاً چنین شرایطی بخش علاقه‌مندی به دیگران را در آدمی مثل او می‌کشد. حالا

لباس مردانه تن دختران می‌کند و همان رفتارهایی را می‌کند که دیگران با او کرده‌اند. فکر می‌کنم وقتی کسی در خیابان زندگی می‌کند، مهم‌ترین چیز برایش حفظ بقاست. خانم‌آغا فکر می‌کند کار مهمی کرده که برای این بچه‌ها که هرکدام گذشته‌ای تقریباً شبیه خودش دارند، سرسینه فراهم کرده است. صادقانه بگویم خود خانم‌آغا را این‌گونه دیدم، تلاش کردم در لایه زیرین بازی

می‌کند. انگار به زیر شللی می‌روی که هم تو را بهتر نشان می‌دهد و هم تو را محافظت می‌کند؛ از هر انرژی که احساسات به‌سطح‌آمده تو را نشانه می‌رود؛ بنابراین این امکانات از بازیگر در مقابل عوامل پیدا و پنهان محافظت یا مراقبت می‌کند. هم او را از خود دور کرده، به نقش نزدیک کرده و هم باورپذیرترش می‌کند. در طول تمرین صحبت‌هایی برای گریم و لباس با آقای سهرابی داشتم. خوشبختانه نظراتمان به هم نزدیک بود. با طراح گریم و لباس جلساتی داشتیم، البته فرصت کم بود و باید سریع به نتیجه می‌رسیدیم، من معتقدم برای تمرین این کار حداقل سه ماه وقت لازم بود. صرف وقت کافی باعث می‌شود از نگرانی بازیگران و عوامل کاسته شود. طراحی چهره خانم حاجیه‌ها را در این کار دوست دارم؛ برای همین از آن استقبال کردم. وقتی لباس پوشیده و گریم می‌شوم، انگار حتی راحت‌تر از خودم دور شده و به صدا و رفتار خانم‌آغا می‌رسم.

● امید سهرابی در مقام کارگردان چقدر برای ارائه نقش مؤثر بوده و کمک کرده است؟

کار یک کارگردان در وهله اول این است که تحلیل درستی از متن و هر نقش به بازیگر بدهد. تحلیل درست و هماهنگ با کارگردان به بازیگر کمک می‌کند راحت‌تر کارش را انجام دهد. مهم‌ترین کار آقای سهرابی برای جان‌بخشی به این نقش این بود که به من اعتماد کرد و این نقش را به من سپرد. من تمام تلاشم را کردم تا خانم‌آغای نمایش خروس لاری امید سهرابی را به بهترین شکل بازی کنم و امیدوارم تماشاگر هم همین حس را داشته باشد. از امید سهرابی بابت این اعتماد ممنون.

● هم‌بازی‌های شما به جز امیرحسین رستمی تجربه‌چندانی در تئاتر نداشتند و هرکدام یک یا دو بازی داشته‌اند یا اصلاً قبلاً بازی نکرده‌اند و درعین حال در تئاتر کمک‌چندانی.
چقدر در این فضا نواسته‌اید به همدیگر کمک کنید؟

خب با یک نفرشان قبلاً همکاری داشتم؛ ولی متأسفانه غیر از امیرحسین رستمی از بقیه کاری روی صحنه ندیده بودم. البته یکی، دو نفر از آنها قبلاً اجرا داشته‌اند؛ ولی بالاخره هرکدام از ما یک روز از یک جایی شروع می‌کنیم و دیگری بوده‌اند که با ما همراه شده‌اند. من اساساً تکنیکی برای بازیگری قائل نیستم. یک بازیگر باید بتواند در هر مدیومی کارش را انجام دهد. اگر نتوانست، مسئولیتش با خودش است و توانایی او. اینکه بگویم بازیگر سینما، بازیگر تئاتر یا بازیگر تلویزیون، برای من بی‌معنی است. بازیگر اگر بازیگر باشد، باید بتواند همه‌جا از استعدادش خوب استفاده کند و البته کارگردان در هر شرایطی بسیار مؤثر است؛ ولی اینکه کسی نمی‌تواند مثلاً در تئاتر خوب بازی کند یا در سینما خوب باشد، مربوط به تربیت استعدادش است. اینکه بازیگری کار سختی است، کاملاً درست است؛ ولی در نهایت فعل لذت‌بخشی است. این کار آنجایی برای من جذاب است که امکان زندگی‌کردن به جای دیگران را به من می‌دهد. اینکه قبل از قضاوت‌کردن‌شان، مدتی جای آنها زندگی کنم.

بنشود. نه‌اینکه این کار داستان نداشت، منظوم داستان به شکل ارسطویی و کلاسیک است. وقتی همان ابتدا این ایده را انتخاب کردم، به این فکر کردم که ممکن است خیلی از تماشاچیان وسط اجرا از سالن بیرون بروند و از کار بدشان بیایید. در نتیجه نگرانی‌ای از این بابت نداشتیم. این اتفاق من خوب است نه بد؛ اما دوست داشتم این شکل از اجرا را تجربه کنم، به‌طوری‌که با دو تئاتر قبلی‌ام متفاوت بوده و تجربه جدیدی برای خودم باشد، اما به‌رحال برایم این شیوه اجرا ترسناک بود؛ چون در طول کار، فقط یک راه‌رفتن (کت‌واک) روی صحنه داریم و با همین باید داستانمان را روایت می‌کردیم. «هار» به‌نوعی سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی و همه مناسباتی را که جامعه سرمایه‌داری ایجاد کرده نقد می‌کند. اما پورانی‌ای که به همین بسند نمی‌کند. او

می‌گوید: درباره سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی، همین نگاه انتقادی را داشتیم، اما من خیلی سعی کردم جهان نمایش ما فقط در همین نقد باقی نماند. هرچند که گویا برای اغلب مخاطبان همین جنبه بسیار بزرگ شده است. در کنار این مفهوم، چیزهای دیگری هم قرار می‌گیرد؛ مانند روایت آدم‌هایی که رفته‌رفته رو به زوال می‌روند، آدم‌هایی که شرایط را قبول کرده‌اند، آدم‌هایی که می‌توانستند اعتراضشان را نگه دارند، اما یک نفر این اعتراض را می‌شکند. تمرکز من صرفاً روی نقد جهان سرمایه‌داری نبود که تاتر به آن منتهی شود. پورانی‌ای که درباره روایت دیستوپیا و آخر‌الزمان می‌گوید: ایده من این بود که هرکدام از این آدم‌ها می‌توانند رو به زوال بروند و باید انتخاب می‌کردیم که برای هرکدام چطور این اتفاق بیفتد؛ مثلاً کسی که در انتهای قصه می‌میرد، تنگی نفس داشته و خاک بالا می‌آورد؛ شاید مثالی از آن چیزی که در مورد خوزستان یا حتی تهران و وضعیتش به دلیل جمعیتش بدتر هم هست، می‌دانیم. و افراد دیگر هم به همین ترتیب. از آنجایی که کار به صورت کارگاهی شکل گرفت، به بازیگران گفتم خودشان شیوه این زوال را پیشنهاد کنند؛ چون راستش برایم خیلی مهم نبود این نماده‌ا چه باشند، صرفاً قرار بود یک مفهوم کلی و پروسه‌ای از زوال را نشان دهند که با دیدن این آدم‌ها یاد آدم‌های یک شهر بیفتیم؛ مثلاً زباله‌گردها. مهم این بود که این پروسه درست طی شود و به پایان درستی برسیم.

زیر آسمان فیروزهای

ترخیص حسین محب‌اهری از بیمارستان و بازی در یک تئاتر



● گروه هنر: حسین محب‌اهری از بیمارستان ترخیص شده است و خود را برای شرکت در تمرینات نمایش جدید مریم کاظمی آماده می‌کند. در گفت‌وگوی کوتاه ایران‌تئاتر با دختر حسین محب‌اهری، وی از ترخیص پدر از بیمارستان و بازگشتش به عرصه تئاتر خبر داد. حسین محب‌اهری قرار است در نمایشی به کارگردانی مریم کاظمی ایفای نقش کند. این بازیگر آخرین‌بار در تابستان امسال با نمایش «خسین» روی صحنه رفته بود و در روزهای اخیر به دلیل پیگیری درمان در بیمارستان بستری شده و از عرصه تئاتر دور ماند. او در پیغام تصویری‌ای که شب پلدا منتشر کرد، از آرزویش برای بازگشت دوباره به تئاتر گفته بود. محب‌اهری با نمایش مریم کاظمی به این عرصه بازمی‌گردد. در این نمایش که برای گروه سنی کودک و نوجوان طراحی شده است، در کنار حسین محب‌اهری، علی فروتن، حمید گلی، مهرداد زمانی و حسن همتی نیز بازی خواهند کرد. جواد اعرابی، مدیر اجرایی این پروژه است و دیگر عوامل گروه عبارتند از: طراح لباس: مژگان عبوینی، طراحی و ساخت عروسک: سهیلا به اجلان، طراح پوست و بروشور: پرسیا فلاح‌زاده، طراح صحنه: سنا ییلاق‌بیگی، گروه کارگردانی: سعیده دادگر و شقایق اصلائی.

زمستانه ۴۰ سال سینمای ایران با «آدم‌برفی»

● با آغاز فصل زمستان، یازدهمین جلسه از ویژه‌برنامه «نمایش‌گزیده چهل سال سینمای ایران»، پنجشنبه ششم دی‌ماه، در موزه سینما برگزار می‌شود و دو فیلم سینمایی «آدم‌برفی»، به کارگردانی داود میرباقری و «لیلی یا من است»، ساخته کمال تبریزی؛ از تولیدات سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ اسکران می‌نشیند. در این برنامه مهرداد فرحانی، پژوهشگر و مدرس سینما، در نشست با اعضای سینماتک موزه سینما از زمانه و ساختار «آدم‌برفی» سخن می‌گوید و طهماسب صلح‌جو، منتقد سینما، نیز «لیلی یا من است» را مورد بررسی قرار می‌دهد. «آدم‌برفی» ساعت ۱۵ و «لیلی یا من است» ساعت ۱۷ در سالن سینما فردوس موزه سینما روی پرده می‌روند. فیلم‌های معرفی‌شده در ویژه‌برنامه «نمایش‌گزیده چهل سال سینمای ایران» با تلاش فیلمخانه ملی ایران برای نخستین‌بار و ویژه این برنامه، اسکن و اصلاح رنگ شده‌اند، ازاین‌رو اعضای سینماتک موزه سینما نسخه‌های با کیفیت بالا و کم‌نظیری از فیلم‌های چهار دهه اخیر سینمای ایران را خواهند دید.

«زمان، مکان، خاطره» زنان هنرمند

● ۳۲ هنرمند زن، ۵۰ اثر خود را با عنوان «زمان، مکان، خاطره» در گالری پردیس ملت به نمایش می‌گذارند. به گزارش اسپر، به نقل از روابط‌عمومی مؤسسه تصویر شهر، نمایشگاه گروهی زنان هنرمند با عنوان «زمان، مکان، خاطره» از ساعت ۱۶ تا ۲۱ روز جمعه، هفتم دی، در گالری پردیس ملت افتتاح می‌شود. این نمایشگاه با همکاری مؤسسه تصویر شهر و برگزار و توسط فرناز محمدی گردآوری شده است. محمدی سال‌ها تجربه برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در ایران و خارج از ایران داشته و در این مدت با هنرمندان مختلفی کار کرده است. او برای مجموعه نمایشگاه‌های جدیدش تصمیم گرفته روی هنرمندان زن متمرکز شود و آثار آنها را در قالب نمایشگاه‌هایی با مضامین متفاوت به نمایش درآورد. فرح ابوالقاسم، مریم اشکانیان، فرح آصفی، پروانه اعتمادی، زهرا امیریکانه، سونیا بالاسانیان، لادن بروجردی، بهناز جلالی، شهلا حبیبی، منصوره حسینی، ایران درودی، سپیده سحر، گیزلا سبنایی، سیما شاهرمادی، آریا شکوهی‌اقبال، سیما شفتی، سمیرا علیخانزاده، مهسا علیانی، شیم‌ا فردینی، نیلوفر قادری‌نژاد، زهرا قیاسی، پسری مجتهدی، معصومه مظفری، مهتا مبینی، رگسانا منوچهری، مانلی منوچهری، الهام نفیسی، آتیه نوری، بیتا وکیلی، لایلا وسیمه، نرگس شامشی و الهام یزدانیان هنرمندان حاضر در این نمایشگاه هستند.

علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند همه‌روزه تا ۳ دی‌ماه، از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به گالری پردیس ملت، واقع در خیابان ولیعصر (عج)، بزرگراه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی (نیاپیش)، روبه‌روی بزرگراه کردستان، پردیس سینمایی ملت، طبقه منفی ۲ مراجعه کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌تلفن ۲۳۱۶۱۴۹ تماس بگیرند.